دیدار هزاران نفر از مردم خوزستان و کرمان - 2 /دی/ 1402

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف).

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم عزیز خوزستان، مردم عزیز کرمان. جلسه، جلسه‌ی بسیار صمیمی و مشمول لطف الهی است ان‌شاءالله. برای بنده جای خوشوقتی است که توانستم جمعی از مردم این دو استان مهم را زیارت کنم. به همه‌ی شماها، یکایک شما، خوشامد عرض میکنم ؛ بخصوص به خانواده‌ی شهیدان عزیز و جانبازان عزیز.

از این جلسه‌ی بسیار شیرین و صمیمی استفاده میکنم، اوّلاً برای اینکه چند کلمه راجع به این دو استان عرض بکنم. نسل جوان ما، نسل جدید ما، لازم است با افتخارات نسلی و تاریخی و میراثی خود بیشتر آشنا بشود ؛ این کار، امروز لازم است، فردا [هم] لازم است. [تبیین] تسلسل تاریخی مواریث ارزشمند بخشهای مختلف کشور، یکی از کارهای هدف‌گذاری‌شده‌ی همه‌ی دلسوزان کشور و انقلاب باید باشد. چند جمله درباره‌ی خوزستان و چند جمله درباره‌ی کرمان عرض میکنم، بعد هم به یک مسئله‌ی ملّی و مهم اشاره خواهم کرد و آن مسئله‌ی انتخاباتی (۱) است که در پیشِ رو است، بعد هم چند کلمه راجع به این مسئله‌ی مهمّ بین‌المللی اسلامی، یعنی مسئله‌ی غزّه، [عرض میکنم و به آن] اشاره خواهم کرد ؛ این برنامه‌ی صحبتهای امروز ما و عرایض امروز ما با شما برادران و خواهران عزیز است.

امّا درباره‌ی خوزستان. شاید بشود گفت که در تاریخ صد و بیست سی ساله‌ی اخیر کشور ما، خوزستان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز مقاومت ملّت ایران بوده و مظهر مقاومت ملّت ایران در طول این مدّت، مردم خوزستان بودند. اگر جوانهای ما با تاریخ آشنا باشند، میدانند که حدود صد و اندی سال قبل، در دنباله‌های جنگ اوّل جهانی که انگلیس‌ها آمدند به این منطقه از ایران و عراق حمله کردند، مدافعه‌ی مردم خوزستان بود که انگلیسی‌ها را عقب زد. فتوای علمای نجف را مردم غیور خوزستان در دست گرفتند، پرچم بلند کردند، مقابل انگلیس‌ها ایستادند. آنجا انگلیس‌ها با لشکر و توانایی‌های نظامی وارد شده بودند، بحث تبلیغات و مانند اینها دیگر نبود ؛ بر عراق مسلّط شده بودند، میخواستند بر این منطقه‌ی از ایران هم مسلّط بشوند ؛ مردم خوزستان طبق فتوای علمای نجف ــ مرحوم آمیرزا محمّدتقی شیرازی و دیگران ــ در مقابل انگلیس‌ها ایستادند. در سفری که بنده چندین سال پیش به خوزستان داشتم، (۲) پرچم آن مبارزه‌ی بزرگ را آوردند و ما [هم] آن پرچم را هدیه کردیم به آستان قدس رضوی ؛ آن پرچم که مال مردم خوزستان است، الان موجود است. در تاریخ، اینها مهم است، اینها خیلی باارزش است. خوزستان سینه سپر کرد در مقابل انگلیس‌ها، نه فقط برای دفاع از خوزستان، [بلکه برای] دفاع از ایران.

در قضیّه‌ی نهضت ملّی نفت، در سالهای آخر دهه‌ی ۲۰، خوزستان محلّ برخورد میدانی ایران و انگلیس بود، به شکل تصرّف پالایشگاه آبادان ــ که در اختیار انگلیس‌ها بود ــ و تصرّف مناطقی و مراکزی که انگلیس‌ها برای خودشان درست کرده بودند. خوزستانی‌ها اینجا هم صف جلو و در صف مقدّم بودند.

از همه‌ی اینها مهم‌تر، ایستادگی مردم خوزستان بود در مقابل تهاجم صدّام در سال ۵۹. اوّلین گروه دفاع، از خود

خوزستانی‌ها بود. یک محاسبه‌ی غلطی را صدّام کرده بود و آن، این بود که فکر میکرد اگر حمله کند به طرف شهرهای خوزستان ــ آبادان و خرّمشهر و اهواز و غیره ــ مردم عربی که در این مناطق هستند، علیه کشور خودشان با او همراه و همدست خواهند شد! این اشتباه غلط را صدّام کرد ؛ خیال میکرد خوزستان در اختیار او قرار خواهد گرفت و مردمِ عربِ ایرانیِ خوزستان به او کمک خواهند کرد. اوّلین کسانی که سینه سپر کردند، همین مردمی بودند که او به آنها امید داشت. سردار شهید عزیز علی هاشمی (رضوان الله علیه) یک نمونه است. در اوایل جنگ، آوازه‌ی او را صدّامی‌ها شنیده بودند و چند سال دنبالش میگشتند ؛ هر کس را اسیر میکردند میپرسیدند «علی هاشمی کجا است؟» دنبال علی هاشمی بودند. مادر شهید تا [این] اواخر زنده بود. اقوام خوزستانی، از عرب و غیر عرب، لُر و بختیاری و دیگران، اوّلین کسانی بودند که در مقابل صدّام ایستادند و یک صفی را تشکیل دادند ؛ این افتخار بزرگی است، این منقبت بزرگی است، این چیز کمی نیست.

از یک جهت دیگر هم خوزستان یک استان ممتاز است و آن، این است که خونِ شهیدانِ همه‌ی استانهای کشور بر روی خاک خوزستان ریخته شده ؛ این یعنی چه؟ یعنی خوزستان نماد همدلی و همبستگی همه‌ی ملّت ایران است. جوانها، پیش‌قراولان، فداکاران، از همه‌ی نقاط کشور آمدند در آنجا، با ایمانشان و با انگیزه‌شان جنگیدند و جان خودشان را در راه اسلام و ایران و جمهوری اسلامی فدا کردند ؛ خوزستان نماد همبستگی ملّت ایران شد. ما هرچه در طول تاریخ از قهرمانی‌های ملّت ایران شنیده بودیم ــ از فداکاری‌ها، از گذشتها، از ایستادگی‌ها ــ در دوران دفاع مقدّس به چشم خودمان در خوزستان مشاهده کردیم. بنابراین، خوزستان مظهر ویژگی‌های برجسته‌ی ملّت ایران شد. این درباره‌ی خوزستان ؛ جوانهای عزیزمان این چند کلمه را همراه کنند با ده‌ها برابر یا صدها برابر این، از مناقبِ آن منطقه‌ی مهمّ کشور.

و امّا کرمان. بنده در طول سالها انس با کرمان و کرمانی‌ها، نقاط درخشانی را در این استان و در مردم این استان، بالعیان مشاهده کرده‌ام ؛ شنیدنی نیست، دیدنی است، حس‌کردنی است. اگر بخواهیم در چند جمله از مهم‌ترینِ این ویژگی‌ها اسم بیاوریم، من باید عرض کنم که اوّلاً هویّت عمیق فرهنگی کرمان، ثانیاً نخبه‌پروری کرمان ــ از خصوصیّات این استان پرورش نخبگان است ــ [همچنین] نجابت اخلاقی و ایمان صادقانه‌ی مردم کرمان، و پیشگامی مردم کرمان در پیوستن به نهضت اسلامی و انقلابی. بنده فراموش نمیکنم در سال ۴۲ در مدرسه‌ی معصومیّه‌ی کرمان ــ اگر این اسم درست یادم مانده باشد ــ این جوانها و نوجوان‌های کرمانی، مثل یک زنجیره، با عناصر مبارز و با طلاب و فضلای مبارزی که در آنجا بودند، مرتّب می‌آمدند در این مدرسه و میرفتند، اعلامیّه میدادند، اعلامیّه میگرفتند، پیام میگرفتند، درس میگرفتند و میرفتند در سطح استان پخش میکردند. زمینه‌ی بُروز شخصیّت بزرگی مثل حاج قاسم سلیمانی اینها است. نخبه‌پروری و اتّصال و ارتباط با مفاهیم اسلامی برجسته و مبارزه‌ی در راه آنها خصوصیّت بزرگی است که بنده آن را به چشم در مردم کرمان مشاهده کرده‌ام.

بله، یک قاسم سلیمانی کافی است که نه فقط استان کرمان، بلکه ملّت ایران به او افتخار کند و مباهات کند ؛ این درست، امّا مطلب مهمّ دیگر در کنار این، آن است که آن زمینه‌ی فرهنگی‌ای که قاسم سلیمانی را تربیت میکند چیست ؛ به این زمینه‌ی فرهنگی باید تکیه کرد. آن ایمان صادقانه، آن گذشتها، آن سلامت فکری و هدایت الهی‌ای که خدای متعال به مردمی عنایت میکند، زمینه‌های فرهنگی است. البتّه این زمینه‌ها همیشه هست، منتها وقتی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست، این ظرفیّتها بُروز پیدا نمیکند ؛ وقتی جمهوری اسلامی به وجود می‌آید، آن‌وقت این شخصیّت‌ها یکی‌یکی ظهور میکنند، بُروز پیدا میکنند: آن، شهید حسین علم‌الهدیٰ است، آن شهید علی هاشمی است، آن شهید همّت است، آن شهید حاج قاسم سلیمانی است.

من میخواهم به شما جوانهای عزیز، جوانهای خوزستان و کرمان، عرض کنم که به این ویژگی‌ها ببالید، افتخار کنید،

مباهات کنید، این میراث نسلی و تاریخی را قدر بدانید، از این خصوصیّات برای ساختن آینده‌ی کشورتان استفاده کنید. این کشور باید ساخته بشود ؛ ما خیلی نقص داریم، ما خیلی عقب‌ماندگی داریم. ده‌ها سال، بلکه صدها سال حاکمیّت جبّاران، کشور ما را در خیلی از چیزها عقب نگه داشته. با توجّه به سابقه‌ی تاریخی، ما امروز باید در علم، پیشرو قافله‌ی علم دنیا میبودیم ــ که نیستیم ــ ما امروز باید احکام اسلام و معارف اسلام را در جزءجزء زندگی کشور خودمان بالعیان نشان میدادیم ؛ سازندگی اسلام را، توانایی اسلام را در اداره‌ی کشور باید نشان میدادیم ؛ نتوانستیم بکنیم و عقبیم ؛ این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود. شما جوانها میتوانید، ملّت ایران میتواند. (۳) خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، این آمادگی‌ها را خدا افزایش بدهد و در بخشهای مختلف به مرحله‌ی عمل دربیاید. خب، حالا این چند جمله راجع به خوزستان و راجع به کرمان.

و امّا مسئله‌ی مهمّ انتخابات، مسئله‌ی تعیین‌کننده‌ی انتخابات. ما حدود دو ماه دیگر، در کشور دو انتخابات مهم داریم. من اوایل سال به این انتخابات اشاره کردم ؛ (۴) [آن موقع] فاصله زیاد بود، حالا فاصله کم شده. ملّت ایران برای انجام این دو انتخابات باید به بهترین شکل آماده باشد. یک انتخابات، انتخابات مجلس خبرگان رهبری است. اهمّیّت مجلس خبرگان رهبری در آنجا است که در موقع لازم میتواند رهبر مناسب را برای کشور انتخاب کند، و در طول زمان هم میتواند و میباید مراقب حفظ شرایط حیاتی رهبری در شخص رهبر موجود باشد. این اهمّیّت مجلس خبرگان رهبری است که بایستی ملّت ایران، مردم استانها، دقّت کنند، مراقبت کنند و این انتخابات را به بهترین وجهی برگزار کنند. و امّا انتخابات مجلس شورای اسلامی ــ که این دو [انتخابات] با هم انجام میگیرد ــ بسیار مهم است. مجلس شورای اسلامی، طبق قانون اساسی، ریل‌گذاری‌کننده‌ی آینده‌ی کشور است. اگر کشور مشکلاتی دارد، برای رفع این مشکلات نیاز به قانونگذاری و حضور مدبّرانه‌ی مجلس شورای اسلامی است ؛ اهمّیّت این انتخابات در این است. این دو انتخابات بایستی باشکوه برگزار بشود.

بنده چهار خصوصیّت را در اوّل امسال راجع به این انتخابات به ملّت ایران عرض کردم: اوّلاً مشارکت قوی، ثانیاً رقابت واقعی، ثالثاً سلامت به معنای حقیقی کلمه، و رابعاً امنیّت انتخابات ؛ این چهار خصوصیّت باید انجام بگیرد. قبل از اینکه راجع به این چهار خصوصیّت صحبت بکنیم ــ که من حالا امروز چند جمله عرض میکنم، بعد باز در فاصله‌ی این دو ماه اگر زنده بودیم و توفیقی بود، با مردم عزیزمان مجدّداً صحبت خواهم کرد ــ بایستی اصل منطق انتخابات در جمهوری اسلامی روشن بشود. چرا انتخابات [برگزار] میکنیم؟ من عرض میکنم هر دو کلمه‌ی «جمهوری» و «اسلامی» وابسته‌ی به انتخابات است. «جمهوری» یعنی مردم‌سالاری، یعنی حاکمیّت کشور به دست مردم. خب مردم چه جوری در حاکمیّت دخالت کنند؟ هیچ راهی بجز انتخابات وجود ندارد. بعضی‌ها در مورد لزوم انتخابات اشکال‌تراشی میکنند، [مردم را] دلسرد میکنند، توجّه نمیکنند که اگر انتخابات در کشور نباشد، یا دیکتاتوری است یا هرج‌ومرج و ناامنی است. آن چیزی که جلوی بُروز دیکتاتوری را در کشور میگیرد انتخابات است ؛ آن چیزی که جلوی هرج‌ومرج و اغتشاش و ناامنی را میگیرد انتخابات است. انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم میتوانند به وسیله‌ی آن و از آن مسیر، حاکمیّت ملّی را، مردم‌سالاری را، جمهوریّت را در کشور تأمین کنند. این، مسئله‌ی جمهوریّت. انتخابات میتواند ولیّ‌فقیه در کشور انتخاب بکند و به وجود بیاورد، یعنی اسلامیّت را تأمین کند. انتخابات میتواند نمایندگانی را در مجلس شورای اسلامی مستقر کند که طبق مقرّرات اسلامی و معارف اسلامی، برای مدیریّت کشور قوانین تدوین کنند. پس بنابراین، هم جمهوریّت و هم اسلامیّت، متّکی به انتخابات است. بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات ضروری است.

در این انتخابات، قهراً آن چهار نقطه‌ای که گفتیم مهم است. اوّل، مشارکت ؛ مشارکت یعنی حضور پُرشور مردم در انتخابات. اگر حضور پُرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملّی را نشان میدهد، این انگیزه‌ی ملّت ایران را برای حضور در صحنه نشان میدهد ؛ انگیزه‌ی ملّت ایران و وحدت ملّی، قدرت ملّی به وجود می‌آورد ؛ قدرت ملّی موجب

امنیّت کشور میشود ؛ وقتی کشور امنیّت پیدا کرد، آن‌وقت علم در آن کشور پیشرفت میکند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی میرسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل میشود ؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای میکند. انتخابات در کشور تحوّل ایجاد میکند. بعضی‌ها اسم تحوّل را می‌آورند، اظهار طرف‌داری از تحوّل میکنند، امّا عملاً آن چیزی که مقدّمه‌ی حتمی تحوّل است، مورد بی‌اعتنائی‌شان قرار میگیرد ؛ یعنی انتخابات. با انتخابات میشود در کشور تحوّل ایجاد کرد. صاحبان دیدگاه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میخواهند تحوّل ایجاد کنند به نفع دیدگاه سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی خودشان ؛ خیلی خب، راهش چیست؟ راهش این است که با انتخابات ــ حالا چه انتخابات مجلس، چه انتخابات مجلس خبرگان، چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات شوراها ــ کسانی را که با آن فکر سیاسی آنها و جهت‌گیری سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی آنها همراهند، سر کار بیاورند ؛ این میشود تحوّل. بنابراین، پایه‌ی تحوّل انتخابات است.

همه‌ی کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوانها، افراد در داخل خانواده، اینها همه میتوانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند ؛ آن‌وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر میخواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم ؛ این وظیفه‌ی همه است. هر که میخواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است. این، مسئله‌ی مشارکت. البتّه اگر در آینده عمر و فرصت بود، من باز [مطالبی را در این باره] عرض خواهم کرد.

امّا مسئله‌ی رقابت ؛ رقابت یعنی چه؟ رقابت یعنی جناحهای سیاسی برای شرکت در انتخابات با هم مسابقه بگذارند ؛ گرایشهای گوناگون سیاسی و اقتصادی، در انتخابات با هم مسابقه بگذارند ؛ میدان باز باشد برای مسابقه‌ی جناحهای سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی ؛ این معنای رقابت است. رقابت یعنی جوانهایی که میخواهند وارد میدان انتخابات بشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند ؛ اینها تلاش کنند، آنها هم تلاش کنند. و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوانها داخلش باشند، هم از آن مجرّبها و باسابقه‌ها داخلش باشند. رقابت یعنی این ؛ یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است. رقابت یعنی همه بتوانند تبلیغات کنند، منتها تبلیغات درست. من درباره‌ی تبلیغات هم ان‌شاءالله اگر عمری بود، بعداً عرض خواهم کرد. تبلیغات بایستی همراه با اخلاق و دیانت باشد. تبلیغات غیر از تهمت زدن است، غیر از دروغ گفتن است، غیر از وعده‌ی خلاف دادن است. تبلیغات یعنی انسان نظرات خودش را برای مردم بیان کند ؛ تبلیغات این است و باید ان‌شاءالله برای همه فراهم باشد. خب حالا در این زمینه حرف زیاد است. در مورد سلامت انتخابات و امنیّت انتخابات هم اگر عمری بود، ان‌شاءالله بعدها مطالبی عرض خواهم کرد.

بنابراین، مسئله‌ی انتخابات را به یاد داشته باشید. بعضی‌ها مردم را از انتخابات دلسرد میکنند ؛ این کار غلطی است، این اشتباه است، این به ضرر کشور است. به ضرر «کشور» است ؛ به ضرر فلان شخص و فلان آدم نیست، به ضرر کشور است. بعضی‌ها برای اینکه مردم را از انتخابات دلسرد کنند، مدام مشکلات کشور را جلوی چشم می‌آورند. خب اگر مشکلات وجود دارد، راه حلّ مشکلات چیست؟ راه حلّ مشکلات انتخابات است. اتّفاقاً برای اینکه مشکلات برطرف بشود، بایستی در انتخابات شرکت کرد. این راجع به انتخابات.

امّا راجع به مسئله‌ی بین‌المللی و اسلامی غزّه. دو ماه و نیم از شروع حادثه‌ی غزّه دارد میگذرد. این حادثه یک پدیده‌ی بی‌نظیری در تاریخ اخیر دنیای اسلام است ؛ در تاریخ اخیر ــ شاید در این یک قرن اخیر ــ ما دیگر شبیه این حادثه نداریم ؛ حادثه‌ی فوق‌العاده‌ای است، حادثه‌ی بی‌نظیری است. چطور بی‌نظیر است؟ از دو سو، از دو سمت، این

حادثه بی‌نظیر است. از سمت رژیم صهیونیستی این حادثه بی‌نظیر است ؛ چرا؟ برای اینکه هرگز این‌جور سفّاکی، این‌جور جنایتگری، این‌جور خونخواری در این دوره‌ی تاریخی‌ای که اشاره کردم دیده نشده ؛ این‌جور کودک‌کشی، این‌جور بمبِ سنگرشکن را روی سر بیماران بیمارستان‌ها انداختن، این‌جور بی‌رحمی، این‌جور خباثت، بی‌نظیر است و دیده نشده ؛ این از طرف رژیم صهیونیستی. از طرف مقابل، از طرف مردم فلسطین و مبارزان فلسطینی [هم] این‌جور ایستادگی، این‌جور صبر، این‌جور مقاومت، این‌جور دشمن را دیوانه کردن دیده نشده. مردم غزّه، مبارزان غزّه، مثل صخره، مثل کوه، ایستاده‌اند ؛ این چیز مهمّی است. آب نمیرسد، غذا نمیرسد، دارو نمیرسد، سوخت نمیرسد ــ آب نمیرسد! ــ [امّا] ایستاده‌اند و تسلیم نمیشوند ؛ خیلی مهم است. همین تسلیم نشدن آنها را پیروز میکند، کمااینکه نشانه‌های پیروزی امروز دیده میشود. اِنَّ اللهَ مَعَ الصّابرین ؛ (۵) خدا با صبرکنندگان است. رژیم صهیونیست، با آن‌همه تجهیزات، با آن‌همه امکانات، در مقابل مبارزان فلسطینی ــ که تقریباً میشود گفت تجهیزاتشان قابل مقایسه‌ی با تجهیزات رژیم صهیونیستی نیست ــ ناتوان مانده. شنیدید، بخشهای مهم و فعّالِ لشکر خودش را از میدان خارج کرد، (۶) چون دیده نمیتوانند کاری بکنند و فقط تلفات تحمّل میکنند ؛ اینها مهم است، اینها پدیده‌های بی‌نظیری است.

یک نکته‌ی اساسی این است که شکست رژیم صهیونیستی در این حادثه فقط شکست رژیم صهیونیستی نیست، شکست آمریکا است. امروز در دنیا هیچ‌کس تفاوتی میان رژیم صهیونیستی و آمریکا یا انگلیس نمیگذارد ؛ همه میدانند که اینها یکی‌اند. آمریکا بیشرمانه قطعنامه‌ی شورای امنیّت را برای قطع بمباران و آتش‌بس وتو میکند! (۷) اینها با هم فرقی ندارند، اینها یکی‌اند. «وتو میکند» یعنی چه؟ یعنی همدستی میکند در ریختن بمب بر روی کودک و زن و بیمار و پیر و مردم بی‌دفاع. در این حادثه آبروی آمریکا رفت، نقاب از چهره‌ی تمدّن غربی افتاد. پیروزی بزرگ ملّت فلسطین در این است که غرب را، آمریکا را، ادّعاهای دروغین حقوق بشری را بی‌آبرو کردند. امروز دیگر همه میدانند که این ظاهرسازی‌ها، اسم حقوق بشر و انسان و مانند اینها را بردن، باطنش چیست. چهره‌ی زشتِ هیولای منحوسِ آمریکا و انگلیس روشن شد، برای همه‌ی مردم دنیا آشکار شد. اسرائیل بدون آمریکا نمیتوانست دست به این سفّاکی بزند ؛ اگر آمریکا موافق نبود، اسرائیل جرئت نمیکرد. رژیم صهیونیستی به پشت‌گرمیِ آمریکا بود که توانست این‌همه جنایت در طول مدّت دو ماه و نیم انجام بدهد ؛ این را همه میدانند در دنیا. آبروی آمریکا رفت ؛ خود این بزرگ‌ترین موفقیّت است ؛ این بزرگ‌ترین پیروزی است برای جبهه‌ی حق و جبهه‌ی مقاومت. در میدان که نشانه‌های شکست این جنایت‌کاران دارد یکی پس از دیگری پدیدار میشود، در عرصه‌ی انسانی هم بکلّی شکست خوردند ؛ این واقعیّتِ این صحنه است. ذات کاخ سفید برملا شد، باطن حکومت آمریکا و انگلیس آشکار شد.

خب، امروز وظیفه چیست؟ کمک به مقاومت. هر کسی هر جور میتواند باید به مقاومت کمک کند. کمک به مقاومت وظیفه است، کمک به رژیم صهیونیستی جنایت و خیانت است. بعضی از دولتهای مسلمان متأسّفانه این جنایت را مرتکب میشوند، [امّا] بدانند که ملّتهای مسلمان این را فراموش نخواهند کرد. امروز وظیفه است که دولتهای مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، همچنان که او نمیگذارد آب به مردم غزّه برسد ؛ این وظیفه‌ی دولتهای مسلمان است. وظیفه‌ی ملّتهای مسلمان [هم این] است که از دولتهای خودشان بخواهند هر گونه کمکی [به رژیم صهیونیستی] را قطع کنند، بلکه رابطه‌های خود را قطع کنند ؛ اگر قادر نیستند رابطه‌ی خود را به طور دائم قطع کنند، لااقل به طور موقّت قطع کنند روابط خودشان را، فشار بگذارند روی این عنصر خبیث ظالم خونخوار سفّاک.

می‌بینید امروز وجدان دنیا به درد آمده، احساس درد میکند. در آمریکا، در کشورهای اروپایی، مردم به خیابانها می‌آیند ؛ این شوخی نیست. شخصیّت‌های سیاسی در بعضی از این دولتها و کشورها به خاطر کمک دولتهایشان استعفا میکنند ؛ رؤسای دانشگاه‌ها استعفا میکنند ؛ دانشمندان، افراد سرشناس، انتقاد میکنند، اعتراض میکنند.

وجدان دنیا به درد آمده، در عین حال بعضی‌ها باز همان کمکها را دارند به این رژیم ظالم و سفّاک انجام میدهند.

بنده عرض بکنم تردیدی نداشته باشید که پیروزی با جبهه‌ی حق است. تردیدی نداشته باشید که رژیم غاصب صهیونیستی یک روز از روی زمین ریشه‌کن خواهد شد و این ان‌شاءالله جزو آینده‌های حتمی است ؛ بعون الله و قوّته و باذن الله و عزّته این کار خواهد شد و امیدواریم ان‌شاءالله شما جوانها آن روز را به چشم خودتان ببینید.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱) انتخابات دوازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری در تاریخ یازدهم اسفند ۱۴۰۲ برگزار میشود.

۲) سفر هشت‌روزه به استان خوزستان در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۸

۳) شعار حضّار: «ای رهبر آزاده! آماده‌ایم آماده.»

۴) بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۴۰۲/۱/۱۵)

۵) از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۳

۶) اشاره به عقب‌نشینی تیپ گولانی از نوار غزّه

۷) از جمله، وتوی قطعنامه‌ی پیشنهادی شورای امنیّت سازمان ملل متّحد برای برقراری آتش‌بس در نوار غزّه توسّط آمریکا در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱۷